

جهانی شدن یا جهانی سازی؟

شاپور جلیلیان^۱

چکیده

جهانی شدن پدیده نوظهوری نیست بلکه فرایندی است که همگام با افزایش آگاهی انسان نسبت به خود و محیط طبیعی و اجتماعی، از آغاز تاریخ وجود داشته است. از جنگ جهانی دوم به بعد با رشد تجارت جهانی، افزایش تحرک سرمایه در سطح بین المللی، مهاجرت نیروی کار و کاهش موانع تجاری براساس قراردادهای بین المللی، شکل دیگر و سرعت بیشتر پیدا کرد. در سالهای اخیر هم با سرعت فزاینده دانش و فناوری و فروپاشی ابرقدرت شرق و پایان دوران جنگ سرد، شتاب بی سابقه ای گرفته است. رشد تجارت جهانی در سالهای ۱۹۵۰ تا ۱۹۹۴ و فزونی چشمگیر آن بر رشد تولید جهانی، واحدهای تولیدی کشورها را به بخشی از شبکه جهانی تولید و تجارت تبدیل کرده است. در چنین اقتصادی نظام سرمایه داری برای تضمین فروش مازاد تولید خود به بازاری نیازمند است که پیوسته در حال گسترش باشد و در نهایت گستره ای به وسعت تمام گیتی پیدا کند. در این جریان، کشورهای توسعه یافته از برتری فناوری و از نفوذ خود در سازمانهای مالی بین المللی و شرکتهای عظیم فراملیتی سودجسته و شیوه تولید، مناسبات تولیدی، چگونگی بهره برداری از امکانات و منابع در کشورهای جهان سوم را به سود خود سازمان دهی و جریان امور را به بستر منافع و مطامع خود هدایت می کنند. در این مقاله، بخشی از این ترندها و بازیگرها مورد بررسی قرار گرفته است.

واژگان کلیدی: جهانی سازی، جهانی شدن، Globalization

مقدمه

واژه GLOBALIZATION را گاهی به جهانی شدن و زمانی به جهانی سازی ترجمه می کنند. با نگرشی سطحی ممکن است این دو اصطلاح مترادف به نظر آیند، اما این دو ترجمه به لحاظ بار معنایی و واقعیت کاربردی و ابزاری که منعکس می کنند با هم تفاوت دارند. در برگردان اول یعنی جهانی شدن، القای نوعی اراده و اختیار مورد نظر است و می خواهد این پیام را به خواننده منتقل کند که جهانی شدن، واقعیتی است ملموس و ضرورتی است گریزناپذیر که هر جامعه اگر خواهان رفاه شهروندانش باشد، چاره ندارد جز اینکه خود را با این جریان نیرومند، ضروری و مفید به حال کشورها و به حال جامعه بشری، سازگار کند و باطیب خاطر و اراده آزاد به مقتضیات آن گردن نهد. در برگردان دوم یعنی جهانی سازی، سعی بر این است که به واقعیت دیگری اشاره شود و آن اینکه: جهانی سازی طرحی است که توسط کشورهای ثروتمند و قدرتمند دنیا و در راس آنها آمریکا، تدوین شده و منظور از آن ادامه سلطه اقتصادی، سیاسی و نظامی بر دیگر کشورهای عالم است. آمریکا از مدتها قبل از فروپاشی شوروی، سودای رهبری دنیا و دستیابی بیشتر به منابع کشورهای دیگر به ویژه کشورهای جهان سوم را در سر داشته است ..

ریچارد نیکسون رئیس جمهور سابق آمریکا در پی رسوایی واترگیت مجبور به استعفا شد. نیکسون پس از این حادثه مدتی انزوا پیشه کرد. در دوران انزوا و پس از آن حدود ۱۰ جلد کتاب نوشت و تجارب سالیان دراز تصدی پست های گوناگونش از جمله پست ریاست جمهوری را در اختیار هموطنانش و در معرض قضاوت و تفسیر جهانیان قرار داد. در یکی از این کتابها تحت عنوان فراسوی صلح یا برتر از صلح که برخی صاحب نظران آن را وصیت نامه سیاسی نیکسون می نامند، دیدگاههای خود را

در مورد اینکه آمریکا چگونه می تواند رهبری خود را بر جهان تحمیل کند آورده است.

طبیعت سرمایه داری

سرمایه داری نظامی است گسترش طلب که همه شیوه های تولید پیش از خود را نابود می کند. این سخن تکرار فشرده ای است از تاریخ بشر در دو سه قرن اخیر. اما واقعیت این است که طی ۳۰ سال گذشته، کارکرد نظام سرمایه داری دستخوش تحولات بنیادی بوده است. از جمله این تحولات؛ تحمیل نیازهای کاذب بر شهروندان جوامع و گرفتار شدن آنها در گرداب مخوف مصارف لوکس و غیرضروری است. آلودگی محیط زیست و معضلات اجتماعی و اقتصادی فراوان دیگر از پیامدهای ظرفیت مازاد تولید و عدم تعادل طبیعی در بازار عرضه و تقاضای واقعی است .

رقابت در اقتصاد امروز موجب کاهش سود بنگاههای تولیدی شده و این موسسات برای برگشت سرمایه اولیه شان دچار مشکل هستند. نجات سرمایه این بنگاهها از خطر نابودی مستلزم این است که بازار فروش فرآورده های شان از رشد کافی برخوردار باشد تا از طریق بهره گیری از حداکثر ظرفیت تولید، فرآورده های بیشتری روانه بازار و آن را به پول تبدیل کنند، بازار فروشی که رشد چشمگیر داشته و به گونه ای مناسب جهانی شده باشد. در چنین بازاری اگرچه سود حاصل از قیمت فروش هر واحد تولید نسبتاً ناچیز است اما با فروش بیشتر، سود حاصل می تواند قابل توجه باشد. در این بازارها نه فقط رقابت بر سر قیمت اهمیت بیشتری پیدا کرده بلکه گونه های تازه تری از رقابت پدید آمده است .

آمارهایی که توسط موسسات پژوهشی صاحب نام منتشر می شود حکایت از آن دارد که نه تنها در کشورهای جهان سوم، فقر و نداری روزافزون زندگی شهروندان را دچار مشکل کرده است بلکه در تمام کشورهای سرمایه داری صنعتی نیز، رشد

نابرابری در توزیع درآمد و ثروت و گسترش فقر، زندگی اکثریت عظیمی از مردم را روز به روز سخت تر می کند. در چنین شرایطی شرکتهای موفق و سازمانهای تولیدی که با استفاده از فناوری پیشرفته توانایی تولید قابل ملاحظه دارند، با محدودیت بازار فروش روبرو می شوند. این محدودیت را کاهش درآمد افراد طبقه متوسط از یک سو و حضور رقبای بسیار در بازار تولید از سوی دیگر، شدت می بخشد. رقابت در کاستن از هزینه تولید و کاهش قیمت، تولیدکنندگان را ناگزیر می کند تا هم در افزایش کیفیت و هم در کاهش قیمت، اقدامات موثر به عمل آورند تا بتوانند باکسب توان رقابتی و گسترش بازار فروش فرآورده ها و خدمات، موجبات ادامه فعالیت خود را فراهم آورند. با کاهش سودآوری، بازار سهام موسسات تولیدی مختل می شود و قیمت سهام تنزل می کند. قیمت سهام شرکتهای در اقتصاد امروز، یکی از عوامل ایجاد ثروت در اقتصاد سرمایه داری است. برخی بر این باورند که میزان سود بنگاههای تولیدی به منزله خون است که باید در رگهای نظام سرمایه داری جریان داشته باشد. به این آمارها توجه کنید :

در انگلستان پیش از سال ۱۹۷۹، از هر ۱۰ نفر یک نفر زیر خط فقر زندگی می کرده ولی بعد از پایان دوره نخست وزیری خانم مارگارت تاچر از هر ۴ نفر یک نفر و از هر ۳ کودک یک کودک با فقر دست به گریبان بوده است .

در آمریکا در طول حکومت رونالد ریگان، درآمد یک درصد جمعیت که از غنی ترین خانواده ها بودند ۵۰ درصد بیشتر شد اما درآمد واقعی ۸۰ درصد جمعیت کاهش یافت. ۱۰ درصد از فقیرترین خانواده های آمریکایی هم درآمدشان به میزان ۱۵ درصد کاهش پیدا کرد و از ۴۱۱۳ دلار در سال به ۳۵۰۴ دلار تنزل یافت. در فاصله ۱۹۸۷ و ۱۹۹۳ شمار کسانی که درآمد روزانه شان از یک دلار کمتر بود در جهان ۱۰۰ میلیون نفر افزایش یافت. به طور کلی در ۱۰۰ کشور جهان، درآمد سرانه امروز کمتر از آن است که ۱۵ سال پیش بوده است، به سخن دیگر، زندگی اقتصادی یک میلیون و

۶۰۰ هزار نفر در اوایل دهه ۱۹۸۰ میلادی از زندگی شان در سالهای پایانی قرن بیستم بهتر بوده است .

پس از تغییر شیوه تولید اقتصادی و دگرگونی نظام تولید از کشاورزی به نظام کارخانه ای و تولید صنعتی، مسئولیت گذران زندگی مردم به دولت محول شد و دولت‌ها برای ایفای این مسئولیت از قدرت کافی برخوردار بودند. به همین انگیزه در این مرحله از تاریخ تحول سرمایه داری، دولت به دولت رفاه معروف شد. یکی از هدفهای طراحان برنامه های جهانی سازی این است که دولت‌ها را در عرصه اقتصادی از قدرتی که لازمه سامان دادن به زندگی مردم و توسعه رفاه است محروم کنند و فضا را برای فعالیت شرکتهای فراملیتی هرچه بیشتر آماده سازند .

با پرکردن خلاء قدرت دولت‌ها توسط شرکتهای فراملیتی، راه دسترسی به منابع کشورهای پیرامونی (جهان سومی) هموار می شود و این شرکتهای با سرمایه عظیمی که در اختیار دارند هر محدودیتی را که بخواهند بر نیروی کار این کشورها تحمیل می کنند بدون اینکه در زمینه هایی مانند اشتغال، رفاه اجتماعی، بهداشت محیط زیست، بهره وری از منابع و تلفیق مطلوب آن و اموری از این قبیل مسئولیتی برگردن بگیرند. در دنیای اقتصاد سرمایه داری، حتی یک نمونه نمی توان یافت که کشوری بدون مسئولیت پذیری و قدرت دولت یعنی بر پایه رهنمودها و الگوهای نئولیبرالیستی کنونی، در نقطه ای از جهان توسعه یافته باشد .

شرکتهای فراملیتی

شرکتهای فراملیتی از پیشتازان جهانی کردن اقتصاد هستند. مدتها قبل از آنکه بحث جهانی سازی، رونق امروزی را کسب کند فعالیت این شرکتهای جنبه فراملیتی به

خود گرفت و حاکمیت ملی کشورها را با چالشهای جدی روبرو کرد. یکی از دلایل رغبت این شرکتها به سرمایه گذاری در کشورهای جهان سوم، بالابردن قدرت خرید شهروندان در کشور میزبان و ایجاد بازارهای مصرف است. قدرت تولیدی فراوان این شرکتها و تلاش آنها برای فراهم آوردن بازار فروش، ایجاد نیازهای کاذب در مصرف کنندگان را از طریق رسانه های تبلیغاتی، سبب گردیده است. انبوه فرآورده های لوکس و غیرلوکس مصرفی از یک سو و تبلیغات بی وقفه رسانه های جمعی از دیگر سو، روز به روز کشورهای فقیر را در ورطه مصرف زدگی و بی هویتی اقتصادی و فرهنگی، بیشتر فرو می برد. آنچه برای شرکتهای فراملیتی مهم است یکسان شدن مقررات گمرکی در کشورهای جهان سوم است تا این شرکتها، مختصر موانع قانونی ناشی از حق حاکمیت ملی کشورهای جهان سوم را هم در پیش روی نداشته باشند و با سرعت و سهولت به هرگونه فعالیت آشکار یا پنهان سیاسی و اقتصادی مبادرت ورزند و سیطره خود را بر منابع کشورهای جهان بیشتر کنند.

بنابراین، تصادفی نبوده و نیست که در همه کشورهای سرمایه داری صنعتی، دولت رفاه که از دستاوردهای اقتصاد «کینزی» در سالهای جنگ جهانی دوم بوده، زیر فشار قرار گرفته است. بخشی از پروژه جهانی کردن، معطوف است به گسترش تهیدستی، زیاد کردن فاصله فقر و غنا از طریق شعله ور کردن آتش بی عدالتی در توزیع ثروت و امکانات جامعه.

امروزه، بازیگران عرصه سرمایه داری جهانی و بی مرز، با فشار چند دکمه و با سرعتی شگفت انگیز، سرمایه مالی شان را به بازارهای دیگر در هر نقطه جهان منتقل می کنند. اگر گاهی در چارچوب مرزهای کشوری خاص درگیر سیاست می شوند انگیزه شان ایجاد اشتغال یا رفاه برای کشور میزبان نیست بلکه هدف محدود کردن حمایتهای قانونی دولت، از کارگران است. این محدودیت از طریق تضعیف دولت صورت می

گیرد. چنین دولتی نه یارای تاسیس و استقرار نهادهای کارآمد دولتی را خواهد داشت و نه توان برپایی نهادهای غیردولتی دموکراتیک جامعه مدنی در حوزه عمومی را. شکل گیری این نهادها و فعال شدن سازوکار حمایت از منافع ملی و مصالح جامعه، حاصل تلاش رهبران خردمند و مدیران برخوردار از دانش، تجربه، تعهد و اخلاص است. مشارکت عمومی در اجرای برنامه ها و حمایت مردمی از اقدامات مدیران و دولتمردان جامعه، موانع جدی و چالشهای ارزش محور و خرد بنیاد در راه تحقق منافع شرکتهای فراملیتی و حامیان قدرتمند و ثروتمند آنها ایجاد می کند .

یکی دیگر از ویژگیهای عصر جهانی سازی، پیشرفت فناوری اطلاعات است. از این طریق، ناظر تحولی دیگر در شیوه انتقال ثروت هستیم .

در این مرحله از تحول، انتقال منابع بیش از تولیدات صنعتی، از طریق معاملات نامشروع، بازارهای مالی صورت می گیرد، یعنی از طریق خرید و فروش پول برای به دست آوردن پول بیشتر و سهام و اوراق بهادار مالی بیشتر. دکتر احمد سیف، در مقاله ای تحت عنوان جهانی کردن: واپسین مرحله ی امپریالیسم؟ یکی دیگر از علل جهانی کردن را، یافتن راههای مناسب برای تامین مالی کسری تراز پرداختهای اقتصاد آمریکا بیان کرده است. آمریکا از سالهای ۱۹۶۰ میلادی به گونه ای مزمن با این کسری تراز پرداختها روبه رو بوده است. نویسنده مقاله در تایید گفته های خود به اطلاعات آماری جالبی استناد کرده است که برخی از آن عیناً نقل می شود :

طی سالهایی که آمریکا با مشکل کسری تراز پرداختها روبه رو بود، بدهی خارجی این کشور به تنهایی تقریباً معادل کل بدهی کشورهای جهان سوم شد و از مرز ۲۲۰۰ میلیارد دلار گذشت. یعنی بدهی خارجی سرانه در کشورهای جهان سوم نزدیک به ۵۰۰ دلار است ولی بدهی سرانه خارجی آمریکا معادل ۷۳۳۳ دلار یعنی اندکی کمتر از ۱۵ برابر است. باین همه، برخلاف وعده های دروغین مدافعان جهانی سازی،

کشورهای فقیر بابت بدهی خارجی خود به طور متوسط سالی ۳۰۰ میلیارد دلار بهره می پردازند در حالی که، کل پرداختی آمریکا بابت بدهی خارجی خود که به همان میزان است، از ۲۰ میلیارد دلار در سال فراتر نمی رود .

کسری تراز پرداختهای آمریکا که در دوره بوش پدر ۴/۴ میلیارد دلار بود. اکنون در زمان بوش پسر به ۴۴۵ میلیارد دلار سیده است. صاحب نظران پیش بینی کرده اند که با بلندپروازی های بوش، کسری تراز پرداختهای آمریکا در آینده بیشتر خواهد شد تا جایی که این کشور ناگزیر خواهد شد روزی ۴ میلیارد دلار از بازارهای جهانی قرض بگیرد .

مدافعان جهانی سازی درباره پیامدهای مثبت نقل و انتقال سرمایه های مالی و دیگر تغییراتی که در مناسبات کار و سرمایه صورت گرفته مبالغه کرده و از بررسی جنبه های ویران گر و غیرقابل پذیرش این تحولات شانه خالی می کنند. به عنوان نمونه، برای کفشهای ورزشی « نایک » که بیشتر در اندونزی تولید می شود به دختران جوانی که در کارخانه کار می کنند روزی ۸۲ سنت می پردازند. برآورد هزینه تولید یک جفت از این کفشها ۶/۵ دلار است که در بازارهای غربی از ۷۵ تا ۱۳۵ دلار به فروش می رسد. مایکل جردن ورزشکار آمریکایی که در آگهی تلویزیونی کفش نایک ظاهر می شود سالی ۲۰ میلیون دلار از این کمپانی دستمزد می گیرد در حالی که درآمد سالانه کارگران اندونزیایی برای تولید کفش نایک سالی ۵ میلیون دلار است .

درآمد ۵۰۰ شرکت بزرگ آمریکایی به گونه ای غیرقابل کنترل سقوط کرده و در طول یک سال ۴۴ درصد کمتر شده است. همه سودهای به دست آمده در بیش از ۴۰۰۰ شرکتی که در بازار سهام ثبت شده اند، از اواسط سال ۱۹۹۴ تاکنون ناپدید شده است .

ناتوانی در پرداخت بدهی، در سال ۲۰۰۳ به نسبت سال پیش، که ۴۲/۳ میلیارد دلار بود، ۱۵۰ درصد افزایش یافته است. انرون هفتمین شرکت بزرگ آمریکا از نظر درآمد، از میان رفته است، قیمت سهامش از ۹۰ دلار به ۲۵ سنت رسیده و به این ترتیب ۶۵ میلیارد دلار از سرمایه اش یعنی همه آنچه ۵۸ هزار و ۹۲۰ نفر سهامدارانش در آن سرمایه گذاری کرده اند، نابود شده است .

۲۳۰ شرکت سهامی عام با بیش از ۱۸۲ میلیارد دلار دارایی، اعلام ورشکستگی کرده اند که نسبت به یک سال پیش ۱۰۰ درصد افزایش نشان می دهد. این رقم شامل شرکت انرون نمی شود .

تاثیر کارکرد سازمانهای بین المللی بر اقتصاد کشورهای پیرامونی سیاستهای سازمانهای بین المللی مانند بانک جهانی، صندوق بین المللی پول و سازمان تجارت جهانی و شیوه اجرای این سیاستها بدهکاری همیشگی کشورهای جهان سوم را سبب شده و با وجود اینکه هر ساله بخشی از بودجه این کشورها صرف بازپرداخت بدهی ها و بهره آن می شود. از استهلاک بدهی خبری نیست که هیچ، بلکه روز به روز بر میزان آن افزوده می شود .

کشورهای آرژانتین، برزیل، موزامبیک و... از این نمونه ها هستند. بخشی از سیاست این سازمانها تحت عنوان استراتژی مساعدت به کشورها «طراحی شده و سیاستهای تعدیل ساختاری قسمتی از این استراتژی است .

قراردادهای تعدیل ساختاری، معمولاً توسط دولتهای کشورهای جهان سوم (پیرامونی) به اجرا در می آید. از آنجا که اجرای این قراردادها در راستای منافع کشورهای صنعتی و سردمداران سرمایه داری جهانی است، معمولاً با مقاومت شهروندان کشورهای مزبور روبرو می شود. این مقاومت ها توسط دولت که معمولاً مورد حمایت نظام سرمایه داری جهانی است با خشونت و به ضرب گلوله سرکوب می شود.

دستاورد اقتصادی این ناآرامیها، فرار بیشتر سرمایه و ورشکستگی دولت است که به نوبه خود موجب تشدید و تعمیق رکود می شود. ادامه این وضع موجب خواهد شد که همه ساله مبالغ هنگفتی به عنوان بهره وامهای دریافتی به جیب جوامع صنعتی ثروتمند یعنی اربابان صندوق بین المللی پول و سازمانهای مشابه بین المللی دیگر، سرازیر شود .

سازمان تجارت جهانی (WTO)

سازمان تجارت جهانی که ترجمه عبارت **World Trad Organization** به اختصار به **(WTO)** مشهور است تنها سازمان جهانی و بین المللی است که به بررسی و تنظیم قوانین تجارت بین کشورها در سراسر جهان می پردازد. اصول کار سازمان تجارت جهانی مبتنی بر موافقتنامه های این سازمان است، موافقتنامه هایی که همه در بین تعداد زیادی از کشورهای جهان به بحث و تبادل نظر گذاشته شده و به امضای این کشورها و تأیید پارلمانهای این کشورها رسیده است. از اساسی ترین اهداف این سازمان می توان به کمک به تولیدکنندگان و واردکنندگان کالاها و خدمات در انجام هرچه بهتر فعالیتهایشان اشاره کرد.

مهمترین عملکردهای سازمان تجارت جهانی (WTO)

- اجرای موافقتنامه های تجاری سازمان تجارت جهانی
- عمل کردن به عنوان مجمعی که مذاکرات تجارت جهانی در آن صورت می پذیرد
- حل و فصل مناقشات تجاری بین دولتها
- نظارت بر سیاستهای تجاری بین کشورها
- ارایه کمکهای فنی و آموزشی برای کشورهای در حال توسعه و ...

مهمترین مزایای سیستم تجاری سازمان تجارت جهانی

- سیستم تجارت جهانی باعث ارتقای صلح در سطح جهان می گردد.

- با استناد به قوانین موجود در این سیستم مناقشات به نحو سازنده‌ای حل و فصل می‌گردند.
- قوانین موجود در این سیستم باعث ایجاد رفاه بیشتر در زندگی افراد می‌گردد.
- تجارت آزاد باعث کاهش هزینه‌های معاش می‌گردد.
- سیستم تجارت جهانی باعث ایجاد گستردگی در انتخاب و ارتقای کیفیت محصولات می‌گردد.
- افزایش سطح مراودات تجاری باعث افزایش درآمدها می‌گردد.
- تجارت باعث ارتقای در رشد اقتصادی جوامع می‌گردد.
- اصول اساسی این سیستم باعث ایجاد بهره‌وری و کارایی بالاتر در زندگی افراد می‌گردد.
- ایجاد این سیستم مانع از اعمال نفوذ برخی از کشورها در امور سایر کشورها می‌گردد.
- وجود این سیستم باعث انتخاب صحیح مسیر تجاری دولت‌ها می‌گردد.
- با توجه به اینکه سازمان تجارت جهانی دارای مزایای زیادی است اما از انتقادات و سوء تفاهمات نیز خالی نیست. در زیر به برخی از سوء تفاهمهای رایج در مورد سازمان تجارت جهانی اشاره می‌شود:
- سازمان تجارت جهانی سیاستها و خط‌مشی‌های خود را به اعضای این سازمان تحمیل می‌کند.
- سازمان تجارت جهانی به دنبال تحقق تجارت آزاد به هر قیمتی است.
- سازمان تجارت جهانی منافع حاصل از امور بازرگانی و تجاری را بر ایجاد توسعه رجحان می‌دهد.

- سازمان تجارت جهانی منافع حاصل از امور بازرگانی و تجاری را بر حفاظت از محیط زیست برتری می دهد.
- سازمان تجارت جهانی باعث از بین رفتن مشاغل و تعمیق فقر در جوامع می گردد.
- کشورهای کوچک در سازمان تجارت جهانی از هیچ قدرتی برخوردار نیستند.
- سازمان تجارت جهانی ابزاری در دست کارتل‌های قدرتمند در سطح جهان می باشد.
- کشورهای ضعیف تر چاره‌ای جز پیوستن به این سازمان ندارند.
- سازمان تجارت جهانی سازمانی غیردموکراتیک است.

نتیجه

از آنچه که گفته شد چنین نتیجه می گیریم که جهانی شدن یک توفیق اجباری است که تمامی کشورها ناگزیر از همراهی با آن هستند، لذا نحوه برخورد با جهانی شدن در نزد کشورها متفاوت است برخی کشورها قدرت چانه زنی خود را آنقدر بالا می برند که سناریوی خود را دیکته کرده و کشورهای دیگر را به دنبال خود می کشند. به عنوان مثال کشور چین ابتدا با روش **Adaptation** (تطبیق خود با محیط) به صحنه آمد ولی بعد توانایی خود را به حدی رساند که روش **Manipulation** (تطبیق محیط با خود) را اتخاذ نمود که امروزه شاهد پیشرفت روز افزون این کشور در عرصه اقتصادی هستیم. ما باید خود را باور داشته باشیم و سعی کنیم استعدادها و توانمندیهای داخلی کشور را تقویت نمائیم، باید در قوانین و مقررات خود اصلاحات لازم را انجام دهیم و از تولیدکنندگان حمایت کرده و در جهت ترغیب و تشویق صادرکنندگان برآییم. باید استراتژی مشتری مداری را در پیش گرفته، جهت همراهی با قافله تجارت جهانی و امکان رقابت با دیگران و یا حداقل بقای در محیط ناگزیر از قبول تغییرات هستیم، در غیر این صورت این محیط است که به ما خواهد گفت که چه بکنیم و چه نکنیم!؟

منابع و ماخذ

- ۱- افراخته، حسن. تاثیر جهانی شدن بر بخش روستایی (نمونه فیلیپین)، اطلاعات سیاسی - اقتصادی (مهر و آبان ۱۳۸۲). شماره ۱۹۴-۱۹۳، صص ۱۶۷-۱۶۰.
- ۲- رشنو، نبی اله. (۱۳۸۲). ژئوپلیتیک نخبگان، چاپ اول، تهران، نشر کویر. صص 177-192.
- ۳- جامسکی، نوام. (۱۳۸۲)، بهره کشی از مردم - نئولیبرالیسم و نظم جهانی، مترجم حسن مرتضوی، چاپ دوم، تهران، نشر دیگر، تاریخ انتشار به زبان اصلی. 1999.
- ۴- سوئیزی، پل و دیگران (۱۳۸۰). جهانی شدن با کدام هدف؟ مترجم ناصر زرافشان، چاپ اول، تهران، نشر آگه .
- ۵- سیف، احمد. جهانی کردن: واپسین مرحله امپریالیسم، اطلاعات سیاسی - اقتصادی. (مهر و آبان ۱۳۸۲) شماره ۱۹۴-۱۹۳، صص ۲۱-۸.
- ۶- سیف، احمد. جهانی کردن و فرضیه چارلز داروین، اطلاعات سیاسی - اقتصادی، شماره ۲۰۲-۲۰۱ (خرداد و تیر ۱۳۸۳). صص ۱۵۷ - ۱۵۵ .
- ۷- قطمیری، محمدعلی. جهانی شدن اقتصاد عوامل، اثرات، واکنشهای بین المللی و راه حلها، اطلاعات سیاسی - اقتصادی (مهر و آبان ۱۳۸۲) شماره ۱۹۴ - ۱۹۳. صص ۱۵۹ - ۱۵۴.
- ۸- کاظمی، علی اصغر. (۱۳۸۰). جهانی شدن فرهنگ و سیاست، چاپ اول، تهران، نشر قومس، صص ۸۰-۶۱ .
- ۹- لاین، دیوید. (۱۳۸۱). پسامدرنیته، مترجم محمدرضا تاجیک، چاپ اول، تهران، نشر بقیع. صص ۶۸
- 10 - FUKUYAMA, FRANCIS. THE END OF HISTORY AND THE LAST MAN. NEW YORK, THE FREE, PRESS, 1992.
- 11 - HOLTON, J. ROBERT. GLOBALIZATION AND THE NATION - STATE. LONDON, MAC MILLAN PRESS LTD. 1998.
- 12 - BOWEN H.B ET. AL., APPLIED INTERNATIONAL TRADE ANALYSIS, MAC MILLAN, 1998.
- 13 - PARATIAN REJENDRA AND REYMOND TORRES, STUDIES OF SOCIAL DIMENSIONS OF GLOBALIZATION IN BANGELADESH, INTERNATIONAL LABOR OFFICE, GENEVA, 2001.